

واژه‌ها و گویش‌های یزدی

حسین مسرت

واژه‌ها و گویش‌های یزدی، محمد حاتمی زاده، تهران، ماه، ۱۳۸۳، ۱۹۰ ص.

دیار کویری یزد به علت محصور ماندن در شن‌های روان کمتر مورد تاخت و تاز سپاهیان بیگانه قرار گرفته و از این رو، نسبت به دیگر شهرهای ایران (حداقل سی سال اخیر) افراد بیگانه کمی را به خود دیده است؛ بدین دلیل، زبان یکدست و باستانی خود را تا سالیان سال حفظ کرده است. وجود صدها واژه پارسی مانند پودونه و شاه‌سپرنگ که شکل تلفظ دو واژه کهن پودینه و شاه اسپرغم (ریحان) است، نشانی از کهنگی و دیرینگی گویش یزدی دارد، و به دلیل همین دیرینگی است که می‌باید ریشه یا معنای بسیاری از واژگان را در فرهنگ‌های پهلوی و اوستایی جست.

ویژگی دیگر لهجه یزدی، انحصاری بودن آن است به گونه‌ای که کمتر ایرانی است که به محض شنیدن لهجه یزدی اشتباه کند و مثلاً بگوید: کرمانی. لهجه یزدی مانند لهجه اصفهانی برجسته و نمایان است. واژگان این گویش شیرین به دلیل تسلط روزافزون زبان رسمی و معیار تهران (از طریق صدا و سیما) در حال نابودی است. بسیاری از خانواده‌های اعیان یزد ترجیح می‌دهند که به گویش یزدی سخن نگویند و در بسیاری از خانواده‌ها و محله‌های یزد، تنها شکل لهجه باقی مانده است، اما از واژه‌های یزدی خبری نیست. تقریباً

واژه‌هایی مانند کوش kowš (کفش)، او ow (آب)، راچونه rāčuna (راه‌پله) و... دیگر منسوخ شده و نسل جدید، زبان معیار را با لهجه یزدی ادا می‌کند. هر روزه با مرگ پیرزنان و پیرمردان یزدی (گوشوران اصلی) دنیایی از واژه، اصطلاح، ترکیب، ضرب‌المثل و گونه‌هایی از این دست در فرهنگ مردم به حافظه تاریخ سپرده می‌شود؛ مگر آنکه صاحب همتی، آستین همت بالا زند و به سراغ محلات کهن و کهنسالان و پیشه‌های قدیمی برود و واژگان و اصطلاحات را ضبط و ثبت کند.

بنابر دلایل گفته شده، بایسته است که «بنیاد واژه‌نامه یزد» به همت یکی از سازمان‌های فرهنگی استان یزد مانند اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی، بنیاد ایران‌شناسی و دانشگاه یزد، تأسیس شود و با بسیج کارشناسان و به کارگیری دانشجویان علاقه‌مند رشته‌های ادبیات فارسی و زبان‌شناسی، این واژه‌ها جمع‌آوری شوند.

در پنجاه سال اخیر، به کوشش و پشتکار برخی از فرهنگ‌دوستان یزدی، بخشی از این واژگان از سینه مردمان بیرون آمده و بر سینه کاغذ نقش بسته است.^۱ یکی از این پیشگامان استاد مهدی آذریزدی است. پس از آن می‌توان به زنده‌یاد علی‌اکبر شریعتی، هنرمند تئاتر یزد، اشاره کرد که فرهنگ، آداب و رسوم، بازی‌ها، مثل‌ها، واژه‌ها، ترانه‌ها، نام‌ها و غیره را در سی دفترگرد آورده است و اکنون پس از ویرایش، به همت نشر لاله کویر یزد در مراحل حروف چینی است. پس از آن باید به مرحوم کریم کشاورز اشاره کرد که غیر از کتاب فی‌مده المعلومه^۲ که مجموعه چند داستان به لهجه یزدی است، مجموعه ترانه‌های یزدی را نیز در مجله پیام نوین چاپ کرده است. همچنین محمدتقی عسکری کامران نیز غیر از کتاب ننه زهرا و پسرش^۳ که داستانی است تمام به لهجه یزدی، سلسله مقالاتی با عنوان «یزدی‌ها معتقدند که» را در کتاب هفته (کیهان هفته) چاپ کرده است. وی به تأسیس نشریه ندای یزد همت گماشت و صدها مقاله در زمینه فرهنگ و فولکلور یزد منتشر کرد. هاجر محبیان نیز فرهنگ یزد را در مجله فردوسی شناساند و بعضی را در اختیار برنامه فرهنگ مردم رادیو ایران قرار داد. همچنین دکتر اسلامی ندوشن به غیر از چند داستان از مردم ندوشن که در کتاب پنجره‌ها^۴

۱. این واژه‌ها اکنون در اختیار نگارنده است.

۲. کشاورز، کریم، فی‌مده المعلومه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۵.

۳. عسکری کامران، محمدتقی، «ننه زهرا و پسرش»، یزد، هفته‌نامه ندای یزد، ۱۳۶۹.

۴. اسلامی ندوشن، محمدعلی، پنجره‌ها، تهران، توس، ۱۳۵۷.

چاپ کرد، در جلد نخست روزها^۵ نیز به فرهنگ و باورهای مردم ندوشن اشاره ای می‌کند. در اینجا باید به آن پله‌های سنگی^۱ اثر دکتر عبدالحسین جلالیان اشاره کرد که با سرودن ترانه‌هایی به لهجه یزدی، بسیاری از واژه‌ها و نغمه‌ها را از فراموشی نجات داد. همچنین محمود حسن آبادی نیز در بخش چهارم دیوان خود،^۷ اشعار طنزی به زبان محل یزدی سروده و چاپ کرده است. در کنار این افراد، پژوهشگرانی چون دکتر یدالله جلالی پندری، محمدعلی وصال، دکتر احمد حرّازی (واژه‌های پزشکی یزدی) و ضیغمیان، سال‌هاست که واژه‌های یزدی را گردآوری می‌کنند.

سرانجام می‌توان به همت ستودنی استاد ایرج افشار اشاره کرد که در سال ۱۳۶۹ نخستین بار واژه‌نامه^۸ یزدی را منتشر کرد و به رغم کاستی‌هایی که داشت نقطه آغازی بود بر کارهای بسامان بعدی. استاد افشار در چاپ نخست از واژه‌های گرد آورده دکتر جلالی پندری و نیز ترانه‌های دکتر جلالیان بهره برده بود و در ویرایش دوم^۹ بسیاری از واژه‌های تازه‌یاب و نیز ضرب‌المثل‌های یزدی و ترانه‌های جدید یزدی دکتر جلالیان را بدان افزوده و غنای آن را دوچندان کرده است.

گفتنی است که در برخی از متون کهن، به‌ویژه دیوان برخی سخنوران یزدی مانند فوقی یزدی (سده یازدهم)، وحشی بافقی (سده دهم)، قاری یزدی (سده نهم)، مجنون یزدی (سده سیزدهم) و فرخی یزدی (۱۲۶۷-۱۳۱۸ ش) نیز بعضی واژه‌ها و اصطلاحات یزدی دیده می‌شود. زرتشتیان یزد سال‌هاست با دیگر یزدی‌ها در حال گفت‌وگو هستند و چنان که روشن است، داد و ستدهای زبانی با مسلمانان و نومسلمانان دارند. بررسی کوتاه در دو کتاب چاپ شده در این زمینه مانند واژه‌نامه گویش بهدینان یزد^{۱۰} و بررسی ساختمان دستوری گویش بهدینان شهر یزد^{۱۱} گویای چنین داد و ستد زبانی است. در این دو کتاب صدها واژه مشترک بین زرتشتیان و گویش محلی یزدی مشاهده می‌شود.

۵. اسلامی ندوشن، محمدعلی، روزها، تهران، یزدان.

۶. جلالیان، عبدالحسین، پله‌های سنگی، تهران، یزدان، ۱۳۶۶ و ۱۳۷۳، ج ۲.

۷. حسن آبادی، محمود، دیوان صادق یزدی، یزد، انتشارات یزد، ۱۳۷۹.

۸. افشار، ایرج، واژه‌نامه یزدی، تهران، فرهنگ ایران زمین، ۱۳۶۹.

۹. افشار، ایرج، واژه‌نامه یزدی، تهران، ثریا، ویرایش دوم.

۱۰. مزدآپور، کتابون، واژه‌نامه گویش بهدینان شهر یزد، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

۱۳۷۴، ج ۱.

۱۱. فیروزبخش، فرانک، بررسی ساختمان دستوری گویش شهر یزد، تهران، فروهر، [بی‌تا].

اما در زمینه فرهنگ عامه دیگر شهرهای استان یزد، به کوشش محققان بومی، برخی واژه‌نامه‌های محلی گردآوری و بعضاً چاپ شده است؛ مانند بلوک مید^{۱۲} فرهنگ عامه اردکان^{۱۳} و واژه‌نامه اردکانی دکتر طباطبایی نیز در دست چاپ است.

فرهنگ عامیانه بافتی^{۱۴}، فرهنگ مردم بهاباد^{۱۵}، بررسی توصیف گویش طبسی^{۱۶}، فرهنگ عامیانه آسفیج^{۱۷}، فرهنگ عامیانه گزستان، و سلسله مقالاتی که در نشریات ندای یزد، مید، سایان، یزد امروز، سیمای اردکان، ره‌آورد بافق، ارمغان اشکذر، آئینه اردکان، پیمان یزد، گلنار نفت، سرو ابرکوه درج شده است و هنوز «هزار جرعه ناخورده در رگ تاک است».

اما از آخرین آثاری که در زمینه گردآوری و چاپ واژه‌نامه شهر یزد منتشر شده است می‌توان به کتاب واژه‌ها و گویش‌های یزدی اثر آقای دکتر محمد حاتمی‌زاده اشاره کرد، کتابی که خود مؤلف صادقانه در دیباچه آن نوشته است: «با آن که پس از اتمام دوره دبیرستان در شصت سال پیش و آمدن به تهران برای گذراندن مسابقه ورودی دانشکده پزشکی در دانشگاه تهران، دیگر هیچ‌گاه در یزد سکونت نداشته‌ام، یزد و یزدی‌ها و هرچه را که به یزد منسوب است، با تمام وجود دوست دارم و گرچه رشته تخصصی من جراحی قلب و عروق و ریه است و چندان ارتباطی با ادبیات ندارد و با آن که زبان‌شناس هم نیستم، از این که می‌بینم زبان شیرین یزدی همراه با سایر مسائل فرهنگی و سنتی به سرعت دستخوش تحول و یکسان شدن با دیگر زبان‌ها و آداب می‌شود، درست مانند آن که عزیزی را از دست بدهم، از آن احساس ناخوشایندی دارم».

و در ادامه، درباره انگیزه خود می‌نویسد: «من با دلبستگی زیادی که به این شهر و مردمان صمیمی و دوست داشتنی آن دارم، پیوسته مایل بوده‌ام که به سهم خود در حفظ آنچه به یزد مربوط می‌شود، کوششی هرچند ناچیز بکنم؛ یکی از مهمترین ویژگی‌های یزدی بودن، گویش آنان می‌باشد. من از چندین سال پیش برآن شدم که واژه‌های یزدی را در دفتری گردآوری کنم. باشد که برای سایر دوستداران یزد و یزدی‌تباران نگاه کردن به

۱۲. حیدریه‌زاده، محمود، بلوک مید، تهران، چکیده، ۱۳۵۷، صص ۱۳۵-۷۵.

۱۳. طباطبایی اردکانی، محمود، فرهنگ عامه اردکان، یزد، شورای فرهنگ عمومی استان یزد، ۱۳۸۱.

۱۴. صالحی بافتی، محمدعلی، فرهنگ عامیانه بافق، یزد، وصال، ۱۳۸۱، ۲۰۸ ص.

۱۵. رضوی بهابادی، سیدعلی، فرهنگ مردم بهاباد، واژه‌نامه گویش بهابادی و تاریخ بهاباد، بهاباد، ۱۳۸۲.

۱۶. عطاری، محمدرضا، «بررسی توصیف گویش طبس»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.

۱۷. تیموری، عزت، «فرهنگ عامیانه آسفیج»، (دست‌نویس).

آن همچون گردش در بوستان شادی آفرین باشد.»

ایشان پس از گردآوری واژه‌های یزدی، برای غنای کار خود از کتاب واژه‌نامه یزدی ایرج افشار (حتماً چاپ دوم)، واژه‌های دست‌یافته مرتضی بنی‌هاشمی و دیگران بهره‌گرفته است و در پایان دیباچه خود شیوه بهره‌وری و آوانویسی این کتاب را برشمرده است. ایشان در آوانویسی (به حروف لاتینی) واژه‌های یزدی به سلیقه و صلاحدید خود، برخی نشانه‌ها یا حروف را برابر حروف فارسی به کار برده که هرچند اشکالی در آن دیده نمی‌شود، بهتر بود با اهل فن یا یکی از زبان‌شناسان مثلاً دکتر حسن رضایی باغبیدی که خود یزدی است و دکترای زبان‌شناسی دارد و کارشناس فرهنگستان زبان و ادب فارسی است، مشورت می‌کرد.

هرچند از لحاظ علمی می‌بایست گویشوران ساکن همان منطقه باشند، اما امتیاز افرادی که خارج از حوزه گردآوری واژگان قرار دارند در این است که به آن فرد کمک می‌کند تا واژه‌های کاربردی آن مکان را با واژه‌های زبان مادری خود بسنجد و این نکته ظرافت‌هایی دارد که برای ساکنان همان شهر میسر نیست. چنان که استاد افشار از راه مقایسه گویش پدری خود و دیگر خدمتکاران میبیدی و بافقی خانه‌شان با گویش و زبان تهرانی به دیگرسان بودن برخی واژه‌ها و اصطلاحات پی برده و کتاب خود را تدوین کرده است. همچنین است مرحوم کریم کشاورز، از یزدی‌تباران متولد رشت که در هنگام تبعید به یزد و تدریس در دبیرستان کیخسروی، به گردآوری و نگارش ترانه‌ها و داستان‌هایش موفق شد.

کتاب واژه‌ها و گویش‌های یزدی، که بهتر بود عنوانی مناسب‌تر مثلاً فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات گویش یزدی بر آن نهاده می‌شد، گویای سال‌ها کوشش و تلاش پیگیرانه و علاقه‌مندانه است. انبوه واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات، تعبیرات، کنایات و ضرب‌المثل‌های ناب یزدی که از حافظه و سینه مردمان یزد ثبت شده‌اند، تلنگری است به کارشناسان، استادان و دانش‌آموختگان رشته‌های زبان و ادب فارسی و زبان‌شناسی یزد که چرا بیکار نشسته‌اند و چرا باید پزشکی جراح، کمر همت بر بندد و این واژگان را از فراموشی نجات دهد. باید به همت و تلاش دکتر حاتمی‌زاده صدها آفرین گفت و بر این عزم خستگی‌ناپذیر درود فرستاد، تنت به ناز طیبیان نیازمند مباد.

کتاب، هرچند از لحاظ برخی مسائل زبان‌شناختی مانند گزینش گویشوران کهنسال ساکن یزد، کاربرد درست آواها، برابر نهادها و... اشکالاتی دارد، اما به دلیل برخورداری از عنصر صداقت و اخلاص در کار و کوششی که در این راه انجام شده، شایسته قدردانی است.

بعضی اشکالات بدین قرار است:

۱. برخی واژه‌ها به ضبط زبان معیار آمده است، مانند آب‌تراش و آب پا شدن و دیگر واژه‌هایی که ذیل آب آمده است (ص ۱ تا ۳) و مؤلف در ذیل توضیح آن ضبط یزدی را داده است که در این مورد بهتر می‌بود ذیل همان ضبط «اوتراش» owtarāš و اوپاشون owpāšun می‌آمد.

۲. بهتر بود مطالب کتاب در چند بخش واژه‌ها، اصطلاحات، ترکیبات، تعبیرات و ضرب‌المثل‌ها تنظیم می‌شد.

۳. نام برخی محلات و مکان‌های یزد به‌طور پراکنده ثبت شده است، بهتر بود که در یک بخش ارایه می‌شد؛ مانند آبشاهی (ص ۲)، پیر برج (ص ۵۳)، پیر سبز (ص ۵۳)، امامزاده شنبه (ص ۱۴)، ابرندآباد (ص ۸)، و...

۴. بعضی واژه‌ها به همان صورتی که در زبان معیار و فرهنگ‌های زبان فارسی وجود دارند، آمده‌اند، مانند پیرانگه = زیارتگاه زرتشتیان (ص ۵۲)، پیچازی = طرح پارچه (ص ۵۲)، قطاب (ص ۱۳۲)، گلکار = بتا (ص ۱۵۱) و غیره که اصلاً ویژگی گویش ندارند.

۵. مؤلف هرچند در دیباچه اشاره نموده است که واژه‌های برگرفته از واژه‌نامه یزدی ایرج افشار را با * مشخص کرده است، اما مشاهده می‌شود که بسیاری از واژه‌ها عیناً برگرفته از چاپ دوم واژه‌نامه است که نه تنها * ندارد، بلکه ذکر مأخذ هم نشده است؛ مانند «هندونه» (صص ۱۸۶-۱۸۷). حتی در دیباچه نیز اشاره نشده از کدام چاپ واژه‌نامه بهره برده است.

۶. معانی تمام واژه‌ها حاصل برداشت و استنباط مؤلف است، نه بهره‌وری از فرهنگ‌های رایجی چون دهخدا و معین، و اگر از فرهنگی بهره برده، اشاره‌ای بدان نشده است.

۷. ضبط اصطلاحات و ترکیبات یکنواخت نیست، مانند «تگ کردن بچه» به جای «بچه تگ کردن»، گِله (گِلْت) که گل (gal: بغل، بدنه و...) با ضمیر متصل «ت» دوم شخص مفرد آمده است، در حالی که خود واژه گل هم مدخلی جداگانه دارد (ص ۱۵۰). ذیل «نخوداو» که در یزد رایج است، مؤلف آورده: «عامیانه: رجوع شود به نخودآب» (ص ۱۷۲). درحالی که نخود آب شکل کتابی آن است نه شکل رایج در شهر یزد. «گف» (سخن و حرف) و «گف زدن» (سخن گفتن)، دو مدخل جداگانه دارد (ص ۱۵۰).

۸. معانی بسیاری از واژه‌ها و مدخل‌ها نارساست.

۹. بعضی از واژه‌ها به ضبط رایج در یزد نیامده، مانند نامه (ص ۱۲۸) که درست آن همانی است که مؤلف داخل پراترز آورده است، یعنی: «نامه» و این در صورتی است که ذیل نامه هم مدخل دارد و در هیچ کدام ارجاعی دیده نمی‌شود.

۱۰. حوزه جغرافیایی کار روشن نیست. چون هم شهر و هم استان به نام یزد است؛ روشن نیست که مراد از «یزدی»، شهر یزد است یا استان یزد، چنان که ایرج افشار هم در واژه‌نامه خود، واژه‌های کاربردی رقیه عرب (میبدی) و مشهدی حسن بافقی و دکتر محمود افشار یزدی و دیگران را یکجا آورده و این در حالی است که بعضاً حتی لهجه و اصطلاحات هفده محله شهر یزد هم با یکدیگر اختلاف دارند.

بی‌گمان برشمردن کاستی‌های کتاب، به هیچ وجه از ارزش اینگونه کارها نمی‌کاهد و باید یزدیان سپاسگزار چنین تلاش‌هایی باشند که جز رحمت و رنج هیچ عایدی دیگری ندارد.

نگارنده امیدوار است که باتوجه به انبوه کارها و تحقیقاتی که در این زمینه شده، سازمان‌های فرهنگی ذی‌ربط ترتیبی دهند که این آثار هرچه زودتر به چاپ برسد. به‌ویژه آثاری که حروفچینی شده و ناشران یا مؤلفان سرمایه چاپ آن را ندارند؛ مانند پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد آقایان نقیب‌القرآ با عنوان «بررسی گویش یزد» و محمدرضا عطاری با عنوان «بررسی و توصیف گویش» طبس و نیز جزوه فرهنگ یزد، اثر خانم فرقانی که در بنیاد ریحانه یزد موجود است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی